

زیبایی‌شناسی داستان‌های عرفانی مصور قرآن براساس نظرات مکتوب ابن‌سینا

چکیده

زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر یکی از مقوله‌هایی می‌باشد که همواره دغدغه بسیاری از هنر دوستان از دیرباز بوده است. از فیلسوفانی چون ابن‌سینا - شیخ اشراق صدرالمتهلین آثار متعددی به‌جای مانده است. هرچند که این فیلسوفان شرقی اشاره مستقیمی به هنر و زیبایی‌شناسی در آثارشان نکرده‌اند لکن می‌توان از دل مکتوبات به‌دست آمده مانند شعر، ادبیات، داستان‌های رمزی، عرفانی، زیبایی‌شناسی، هنردوستی، لذت و عشق را بیرون کشید. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش سعی شده است که مروری بر داستان‌های رمزی ابن‌سینا داشته باشیم. ابن‌سینا با همه قدرت و احاطه‌اش به فلسفه ارسطو و استادی‌اش در شرح و تفسیر اقوال و آرای آن حکیم یونانی در اواخر عمر به حکمت اشراق توجه خاصی پیدا کرده است. از این راه به عرفان و تصوف متمایل شده است و در این مورد رسالاتی نوشته است که رساله العشق و نمط دهم از انماط اشارات دلیل و گواه این مطلب است. سه رساله یا داستان رمزی، عرفانی به نام‌های حی‌بن‌یقظان، رساله الطیر و سلامان و ابدال از وی باقی مانده است. این سه رساله در شمار آثار اشراقی ابن‌سینا می‌باشد و نشان‌دهنده تمایلات عرفانی وی است. از میان این سه اثر حی‌بن‌یقظان، رساله الطیر بدون هیچ شکی نوشته ابوعلی سیناست. اما سلامان و ابدال را به برکت شرحی که خواجه نصیرالدین طوسی بر اشارات نوشته است می‌شناسیم. هانری کربن این داستان‌های رمزی سه‌گانه را از مسکوک و تجربه عملی ابن‌سینا می‌داند.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی زیبایی‌شناسی در داستان‌های رمزی ابن‌سینا.
۲. بررسی زیبایی‌شناسی در داستان‌های عرفانی مصور قرآن.

سوالات پژوهش:

۱. منشأ زیبایی در آثار رمزی - عرفانی - فلسفی ابن‌سینا چیست؟
۲. زیبایی‌شناسی در داستان‌های عرفانی مصور قرآن چه جایگاهی دارد؟

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، ابن‌سینا، رساله الطیر، سلامان و ابدال، حی‌بن‌یقظان.

مقدمه

زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر یکی از مباحثی هستند که همواره مورد بررسی هنردوستان قرار گرفته است. ممکن است معنایی که از زیبایی به ذهن ما می‌رسد زیباسازی باشد و آنچه که پیرایشگرها و آرایشگرها انجام می‌دهند معنای دیگری هم از این کلمه برداشت می‌شود و این همان معنایی است که از زمان فیلسوفان عقل‌گرا باب شد. آن‌ها کلمه زیبایی را براساس شناخت ما از جهان عقل به کار می‌بردند و در مقابل تجربه‌گراها قرار داشتند، اما فلسفه هنر به چپستی هنر می‌پردازد و چگونگی هنر، فلسفه هنر در پی آن است که در این زمینه به مفاهیمی روشن و صریح دست یابد و در نهایت این دو مقوله فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی از هر لحاظ مربوط به هم و بر ساخته روابط یکدیگر هستند.

زیبایی‌شناسی به منزله شاخه‌ای از فلسفه که به معنای زیبایی و نظریات مختلف درباره هنر می‌پردازد، بسان موضوعی جداگانه، موضوع بحث فیلسوفان اسلامی قرار نگرفته است و رساله‌های جداگانه‌ای شبیه به آثار مربوط به زیبایی‌شناسی به قلم فیلسوفان غربی مانند هگل، کالینگ وود و کروچه در میان آن دسته از متفکران اسلامی که فلاسفه یا حکما خوانده شده‌اند یافت نمی‌شوند برای فهم کامل زیبایی‌شناسی اسلامی باید بیش از هر کار فرازهایی در آثار تخلف‌مشاری گلچین کرد ولی برای شرح و بسط افزون‌تر موضوع، باید علاوه بر آثار مشاری به آثار مکتب اشراقی به ویژه آثار صوفیه نیز رجوع کرد. به علاوه، باید سنت شفاهی، تعلیمی را که نسل اندر نسل از اساتید هنرهای اسلامی مختلف به شاگردانشان منتقل شده است، تعلیمی را که در طی قرون مبنای خلق آثار هنری اسلامی بوده‌اند و تا به امروز حیات دارند، به منابع مکتوب اضافه کرد (نصر، ۱۳۸۸: ۹۸-۳۹۵).

علاوه بر داستان‌های رمزی ابن‌سینا که از دل آن‌ها می‌توان زیبایی‌شناسی را بیرون کشید به شعر آثار ادبی نیز می‌توان اشاره کنیم. به اعتقاد ابن‌سینا شعر و آثار ادبی به طور کلی صورتی منطقی دارند، ولی در مورد گفته‌هایی با ماهیت ادبی که از جمله به شعر می‌توان اشاره کرد مقدماتی که مورد استفاده قرار گرفته است از عواطف گرفته شده‌اند و نه از عقل و مخاطب زمانی که این آثار را می‌خواند لذتی به او دست می‌دهد که آن را در خیال خود تأیید می‌کنیم و از اینکه اجزا به صورت هماهنگ در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند دچار حیرت می‌شویم. ابن‌سینا اعتقاد دارد از رابطه هماهنگ اجزا با یکدیگر با معنای مفروض آن‌ها لذت حاصل می‌شود و البته این قبول کردن مقایسه‌های شعری به روان‌شناسی خواننده نیز وابسته است. پس می‌توان نتیجه گرفت که نظریه زیبایی‌شناسانه ابن‌سینا بر اهمیت خیال و اصول توازن و هماهنگی بنا شده است. ابن‌سینا در آن بخش از آثار خویش که خود آن را حکمت مشرقی (الحکمة المشرقیة) (oreiental philosophy) می‌خواند ابن‌سینا رساله کاملاً شاعرانه و برگرفته از شعر را برای بیان افکار خود انتخاب می‌کند که نمونه‌های روشنی از این رویکرد را در اثر ابن‌سینا به عنوان حی بن یقظان می‌توان دید. در این رساله، ابن‌سینا به خاطر اثرگذاری اثر نه تنها بر تفکر عقلانی، بلکه بر عنصر زیبایی‌شناسانه هم اتکا می‌کند و زبانی کاملاً شاعرانه و رمزی را برای گفتار خود برمی‌گزیند (نصر، ۱۳۸۸: ۹۸-۳۹۷).

در بررسی پیشینه پژوهش به موضوعاتی همچون خیال، دوستی و عشق، لذت، شگفتی و اعجاب، زیبایی عام و خاص، رمز و تمثیل‌های عرفانی - فلسفی در آثار ابن‌سینا پرداخته شده است. در این مقاله سعی شده است که داستان‌های رمزی حی بن یقظان، رساله الطیر و سلامان و ابسال بررسی و تبیین شوند.

مقاله حاضر با ماهیت توصیفی و تحلیلی است. روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری اطلاعات به صورت یادداشت‌برداری از کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته است. شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها در این پژوهش

به صورت کیفی بوده است و عیار تجزیه و تحلیل براساس استدلال و استنتاج است. گردآوری اطلاعات ارزیابی می شود و مجهولاتشان کشف می شود. سپس به کمک استدلال، تفسیر و تشخیص داده می شوند که به صورت منطقی و استدلال، در نهایت نتیجه گیری انجام می گیرد.

نتیجه گیری

این سه تمثیل ابن سینا اهمیتشان در این است که بخش مفقود شده حکمت ابن سینا را که حکمت مشرقی او است را به نوعی می توان در آن ها بازیابی کرد. ابن سینا آثار مهمی دارد مثل شفا، اشارات، دانشنامه علائی، نجات و این ها معروف هستند به آثاری که ابن سینا در زمینه حکمت مشایی به شیوه ارسطویان نوشته و در عین حال البته نوآوری های فلسفی ایشان هم در این ها وجود دارد، ولی ابن سینا علاوه بر این آثار مجموعه ای دیگر از آثار را نگاشته است که مهم ترین آن ها کتاب الانصاف است که در این کتاب ابن سینا راهی متفاوت با فلسفه مشایی را در پیش گرفته و اصطلاحاً در اینجا ابن سینا فلسفه مشرقی و حکمت مشرقی خود را طراحی کرده است، ولی کتاب الانصاف که دایره المعارف بزرگی بوده و ابن سینا در سال های آخر عمر نوشته متأسفانه بر اثر حمله سلطان محمود غزنوی به اصفهان و تاراج خانه ابن سینا این دست نوشته ها از بین رفته و فقط بخش هایی خیلی اندک از آن ها باقی مانده است.

اما آنچه را که ابن سینا در آنجا به آن ها رسیده؛ ولی به دست ما نرسیده به نوعی می شود در این رساله های تمثیلی ابن سینا بازیابی کرد. در این رساله های تمثیلی ابن سینا نوعی فلسفه اشراقی و فلسفه مشرقی را که بعداً نمونه اش را در سهروردی می بینیم طراحی کرده است. در این آثار زبان ابن سینا زبان رمزی و تمثیلی است و فهم رسالات بسیار دشوار هستند، در واقع می شود گفت آنچه را که در فلسفه ابن سینا به زبان صریح، منطقی و تحلیلی در جاهای دیگر مطرح شده است، در اینجا یک مفهوم رمزی و عرفانی و رازورزانه پیدا می کند. برای فهم آن ها باید کل این رسالات را در ارتباط با حکمت ابن سینا، هم حکمت مشایی هم حکمت مشرقی او به ویژه حکمت مشرقی او در نظر گرفت.

در مجموع این رسالات می خواهند نشان دهند که زندگی بشر محدود به زندگی دنیوی نیست او صرفاً یک موجود مادی نیست و در عین حال که در حین دنیا زندگی می کند می تواند پایی در عوالم دیگر هم داشته باشد. مثلاً در رساله الطیر به طور کلی داستان نفس بشر است که این نفس بشر در حقیقت یک وجودی قبل از دنیا داشته است. زمانی که پای در این می گذاریم به یک معنا گرفتار دام دنیا و اسیر دنیا شده است و این گونه تعبیر می کند که ما مرغانی بودیم که آزادانه پرواز می کردیم، بعد صیادان آمدند دام و دانه نهادند و ما را اسیر کردند و البته در ادامه سعی می کند نشان بدهد انسان می تواند در حالی که اسیر دام هست و پاهای او گرفتار در دنیا است به تعبیری می تواند سرخود را از دام بیرون بیاورد و پرواز کند؛ در حالی که همچنان محدودیت های خاص خودش را دارد. این موضوع به لحاظ خلاقیت هنری بسیار می تواند تعیین کننده باشد به خصوص به لحاظ فلسفه هنر و فرایند کاری که هنرمند انجام می دهد، یعنی ما به عنوان هنرمند وظیفه داریم که چیزی را فراتر از آن چیزی که دیگران ادراک می کنند برای آن ها آشکار کنیم و این مستلزم آن است که ما بتوانیم به عوالم دیگر ورود کنیم و حقایقی که در جای دیگر هست را مشاهده کنیم و آن ها را به تصویر بکشیم. پس درسی که از رساله الطیر ابن سینا می توان آموخت این هست که چنین امکانی برای انسان وجود دارد و این را به خصوص وقتی در کنار تخیل خلاق هنرمند قرار می دهیم می تواند بسیار آموزنده و تأثیرگذار باشد. پس ابن سینا این امکان را به ما نشان که ما تماماً در دام دنیا اسیر نیستیم اسارت داریم؛ ولی امکان رهایی و پرواز در افق های دیگر هم وجود دارد.

در داستان سلامان و ابدال هم همان طور که قبلاً اشاره شد ابن سینا فقط به سلامان و ابدال اشاره کرده و داستان را توضیح نمی‌دهد، بنابراین در بین شارحین بحث است که منظور ابن سینا از سلامان و ابدال چیست؟ ابن سینا فقط این مقدار اشاره می‌کند که اگر می‌خواهی درجه و مرتبه خود را در عرفان بدانی و بفهمی که چه مقدار پیشرفت معنوی داشته‌ای این را بدان که سلامان تویی و ابدال رمز و مرتبه تو در عرفان هست. وقتی این داستان با نگاه ابن سینا در نظر گرفته می‌شود و هر دو داستان رمزگشایی می‌شود باز هم یک نوع افق مافوق دنیا را برای نفس انسان تفسیر می‌کند و البته نتایج زیبایی‌شناسی می‌توان از داستان گرفت که در متن مقاله آمده است. درواقع می‌خواهد بگوید که عشق زمینی او و مبارزه با نفس او چگونه تبدیل به عشق آسمانی می‌شود و ابدال مظهری است برای زیبایی و زیبایی حقیقی که در این عالم متجلی شده است و عاشق و عارف می‌تواند به زیبایی حقیقی دست پیدا کند.

داستان حی بن یقظان که خود یک رمز است و بسیار معنا در آن نهفته است. داستان بدین گونه شکل می‌گیرد که زنده پسر بیدار یعنی کسی که اسم خودش زنده است و اسم پدرش هم بیدار است و این زنده بیدار نشانگر یک وجودی است که مرگ او را فرامی‌گیرد و خواب هم به سراغش نمی‌آید و همیشه زنده است و همیشه بیدار است. در اینجا ابن سینا ماجرای دیدار خودش را یا ماجرای دیدار سالک را با حی بن یقظان مطرح می‌کند که حی بن یقظان در واقع وجودی است که به نوعی راهنمای عینی انسان‌هاست؛ به طوری که انسان اگر از محدودیت‌های دنیا فراتر برود و ترکیه لازم را انجام بدهد و اخلاص حاصل کند، می‌تواند در یک افقی که فراتر از افق دنیاست در یک جایی که بیرون از تاریخ است و می‌شود گفت به نوعی فراتاریخ است، با آن وجود راهنما مواجه بشود و با کمک آن راهنما بتواند خودش را از محدودیت‌هایی که در این عالم است نجات دهد، در حقیقت حی بن یقظان شرح و بسطی بر رساله الطیر است. در رساله الطیر مسئله این بود که چگونه می‌توانیم از دام دنیا رها شویم و البته آنجا مراحلش توضیح داده می‌شود. در حی بن یقظان این مسئله با تفصیل بیشتر مطرح می‌شود. علاوه بر تلاش که خود عارف و سالک می‌کند، آن راهنمایی که بلد راه است و خودش دچار این محدودیت‌ها نیست سر راهش قرار می‌گیرد که نامش حی بن یقظان است و به او یاد می‌دهد که خود را چگونه از تنگنا نجات بدهد و چه مرحله‌ای را باید طی کند؛ ولی درعین حال در اینجا متذکر می‌شود که هرچقدر هم که مرتبه‌ات بلند باشد و پیش بروی باز هم باید برگردی به این دنیا تا زمانی که انسان مرگش فراتر رسیده محکوم به قواعد و احکام این دنیا هست. ابن سینا می‌خواهد بگوید یک حکیم، یک هنرمند، یک انسان هنرمند می‌تواند درعین حال که چون دیگران محدود و محبوس در این دنیاست، یک سره محصور در دنیا نباشد و همان طور که در این رساله‌ها توضیح داده می‌شود بتواند چشم خودش را به عوالم دیگر هم باز کند و چیزی از زیبایی شیرینی و حلاوت عوالم دیگر را هم در زندگی خودش و هم در زندگی دیگران وارد بکند.

فهرست منابع و مآخذ:

- ابن سینا. (۱۳۶۳). اشارات و تنبیهات. ترجمه و شرح حسن ملک‌شاهی. تهران: سروش.
- ابن سینا. (۱۳۸۸). مجموعه رسائل شیخ‌الرئیس ابن سینا. تصحیح و توضیحات: سید محمود طاهری. قم: انتشارات آیت‌الله اشراق.
- ابن سینا. (۱۳۷۶). الالهیات من کتاب الشفا. تحقیق: حسن‌زاده آملی. قم: مرکز انتشارات دفتر حوزه اسلامی علمیه قم.
- اکبری، فتحعلی. (۱۳۷۸). فلسفه مشاء اصفهان. تهران: نشر پرشس.
- بردسلی، مونروسی و همکاران. (۱۳۹۸). دانشنامه زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر. ترجمه: انشاءالله رحمتی، تهران: سوفیا.

- بلخاری، حسن. (۱۳۸۸). هندسه خیال و زیبایی. تهران: نشر متن.
- پنج رساله شیخ‌الرئیس. (۱۳۸۳). تصحیح احسان یارشاطری. همدان: انتشارات دانشگاه همدان.
- پورنامداریان؛ تقی. (۱۳۶۴). رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی (تحلیلی از داستان‌های عرفانی - فلسفی ابن‌سینا سهروردی). تهران: نشریه علمی و فرهنگی.
- خوهرسند، رامین؛ نقره‌کار، حمید. (۱۳۹۷). «تبیین مفهوم زیبایی از منظر جهان‌بینی اسلامی جهت ارزیابی آثار معماری و شهرسازی». نقش جهان، ش ۲، ۱۱۰-۱۰۲.
- ربیعی، هادی. (۱۳۹۳). جستارهایی در چیستی هنر اسلامی. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- رضایی، غلامعباس؛ علی‌خواجه، شعیب. (۱۳۹۳). «زیبایی‌شناسی قصص قرآن کریم». نشریه نقد ادبی و بلاغت. ش ۱، ۱-۱۵.
- سلیمانی، مهسا؛ غلامی زارع‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۵). «بررسی ساختاری قصه‌های قرآن کریم». همایش سراسری علمی پژوهشی سبک زندگی.
- سید حسین، نصر. (۱۳۸۸). معرفت و معنویت. ترجمه: انشالله رحمتی؛ تهران: انتشارات سهروردی.
- شاکر، محمدکاظم؛ اکبری، عطیه. (۱۳۹۲). «دیالوگ در قرآن: گونه‌ها و درون‌مایه‌ها». دو فصلنامه کتاب قیم، ۳(۸)، ۴۹-۲۷.
- کرین؛ هانری. (۱۳۹۱). چشم‌اندازهای معنوی و فلسفی اسلام ایرانی. ترجمه: انشالله رحمتی، تهران: سوفیا.
- کمالی‌زاده، طاهری. (۱۳۹۲). هنر و زیبایی از دیدگاه شهاب‌الدین سهروردی. تهران: انتشارات متن.
- نژدت ارزن، ژاله؛ صابری‌پور، مریم. (۱۳۸۷). «خاستگاه هنر در دین: زیبایی‌شناسی اسلامی: راهی دیگر به سوی دانش». زیباشناخت، ش ۱۹، ۳۳۸-۳۲۵.
- هاشم‌نژاد، حسین. (۱۳۹۲). ابن‌سینا، شیخ اشراق؛ و صدرالمآلهین؛ تهران: سمت.

Mack, M. (۲۰۱۲). Treatise on Painting, New ed. London: Create.